

جرم‌شناسی

سوشل بزه‌اری میشل فوکو
(۱۹۸۷-۱۹۴۶)

با مقدمه: دکتر کابری فرید

تألیف و ترجمه:

عباس قاقا‌هنده





دفتر مرکزی: تهران، میدان انزلی، خیابان منیری جاوید، پلاک ۷۴

فروشگاه: تهران، میدان منیر، خیابان منیری جاوید، پلاک ۸۶

شماره تماس: ۶۶۴۶۳۲۴۵ - ۶۶۴۰۹۹۲۳

www.ehrekalam.ir

جرم‌شناسی سوژه بزهکاری میشل فو نو (۱۹۰۴ - ۱۹۱۰)

تألیف و ترجمه: عباس قاقاهنده

چاپ اول: ۱۳۹۸

تیراژ: ۵۰ نسخه

چاپ: غزال

صفحه‌آرایی: علی اصغر بوارد

ویراستار: زهرا عبدالحسینی

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به انتشارات مهر کلام است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۹۶-۰۳-۰

فهرست

۱۲.....	مقدمه دکتر کاترین فوکو
۱۳.....	مقدمه
۲۲.....	فلسفه، چهارراه سیاسی و تشویش
۲۴.....	نیست گرایی، مرگ انسان و طغیان
۲۵.....	فلسفه‌ای که حیوان را محذوب می‌کند
۲۵.....	تشویش و زیاده‌روی
۲۶.....	نفی قانون‌گرایی
۲۸.....	ممنوعیت و طرد
۲۹.....	تاریخ دیوانگی: طرد
۳۱.....	دانش دیوانگان
۳۲.....	مراقبت و تنبیه
۳۳.....	سلول در معرض دید (پانوپتیکن)
	زندانیان مدام در حال اصلاح شدن است و همیشه از عقلانیت بیشتر بهره
۳۴.....	می‌گیرد
۳۵.....	شکستی اجتناب‌ناپذیر و حساب شده
۳۵.....	دستگاه قضایی شریک جرم
۳۶.....	قضاوت پراکنده و بریده بریده
۳۶.....	شورش در زندان‌ها
۳۷.....	میشل فوکو و تاریخ

۳۸.....	حقوقدانان و میشل فوکو
۴۱.....	فصل اول: پیدایش حق کیفری
۶۷.....	فصل دوم: شکل‌های انضباطی بزهکاری - سرمایه‌داری
۶۸.....	اصلاح‌طلبان انضباط در تئوری مارکس
۶۹.....	«د» ایده‌ی «درد» بزهکاری اجتماعی
۷۲.....	پس‌انورود روانشناسی به پیکره‌ی حقوق و اخلاقی شدن جرم
۷۳.....	کیفری متناقض
۷۵.....	ابژه کیفی
۷۶.....	تعریف زندان در دیدگاه موریس
۷۷.....	نظام اصلاحی کیفری
۷۸.....	مثال نگاه انضباطی
۱۰۶.....	انضباط سخت، تربیت خوب
۱۰۸.....	نظریه جرمی بنتام در مورد زندان انضباط
۱۱۰.....	دون - کیفرمندی
۱۱۵.....	فصل سوم: بزهکاری، تربیت، روانشناسی
۱۱۷.....	ساختارگرایی دستگاه قضایی در بزهکاری زندان
۱۲۱.....	جنون، بزهکاری، زندان، پیدایش
۱۲۱.....	زندان از دیدگاه سارتر و اوج مدیریت قضات - پیوند با نظریه بنتام
۱۲۳.....	کالبدشناسی سیاسی، کیفرشناسی اجتماعی
۱۲۷.....	انضباط تولید رشد کیفری
۱۳۰.....	عدالت تفتیشی، تولد زندان، دستگاه عدالت
۱۳۱.....	انضباط، کیفر، زندان، بزهکاری
۱۳۳.....	نظام کیفری مجازات
۱۳۳.....	حقوق جزا شکل طبیعت خشونت

۱۳۵.....	فوکو تبار قدرت کردار جرم
۱۳۶.....	جرم، جامعه سکسوالیته، قدرت
۱۳۸.....	انحرافات اجتماعی
۱۴۰.....	مبارزه علیه سوژگی
۱۴۰.....	روشنگری مدرن
۱۴۳.....	گفتمان فلسفی - حقوقی
۱۴۴.....	جامعه ایدئولوژیک
۱۴۶.....	حقیقت کیفر و مجازات
۱۴۷.....	اسباهان جامعه مدنی، کیفری فاشیسم
۱۴۸.....	دیوانگی، بیماری، بزهکاری
۱۴۹.....	تبارشناسی پدایش عقل کیفری
۱۵۵.....	تبارشناسی خاک جرمی و عقل کیفری
۱۵۷.....	متافیزیک، اخلاق و ذهن
۱۵۷.....	تبارشناسی اخلاق جرمی
۱۵۹.....	هیچ انگاری، گناه، جرم
۱۶۱.....	تبارشناسی دفاعیه‌های وکیل
۱۶۷.....	پیوند نظر مجازات متقابل میشل فوکو با جرم به بنیاد
۱۷۲.....	اصلاحات
۱۷۲.....	قانون جهان شمول
۱۷۳.....	نظام مجازات‌ها
۱۷۵.....	بعضی اوقات، بنیاد در دام تمامیت‌خواهی می‌لغزد
۱۷۵.....	پیوند نظر مجازات میشل فوکو با امیل دورکم
۱۷۶.....	نفوذ ولتر در تحول حقوق جزا از دیدگاه فوکو
۱۷۶.....	قوانین مدنی و کلیسایی
۱۷۷.....	فرهنگ فلسفی، تعصب
۱۸۱.....	پیوند نظریه مجازات جزا به بکاریا با میشل فوکو

۱۸۶	پیوند نظریه مجازات و بکتور هوگو با میشل فوکو
۱۹۲	مخالف مجازات اعدام
۱۹۴	پیام نوآوری

فصل چهارم: از جرم به سوژه بزهکار: جرم‌شناسی ۱۹۸

۱۹۹	مجازات کیفری
۲۰۱	جرم‌شناسی، چشم قاضی
۲۰۲	جرم‌شناسی قاضی
۲۰۲	هنجار برخاسته از قانون
۲۰۷	جرم‌شناسی مارتن
۲۰۸	سوژه بزهکاری و قانون
۲۱۰	زندان از دیدگاه فوکو
۲۱۳	علم جنسی جرم

فصل پنجم: کشف انسان حسیران، بزهکاری ۲۱۴

۲۲۰	مراقبت، پلیس، بزهکاری
۲۲۲	مصلحت دولت سرمایه‌دار
۲۲۲	اقتصاد سیاسی بزهکاری
۲۲۴	حکومت، عصر روشنگری بزهکاری
۲۲۷	مفهوم شبان کارگی
۲۲۷	رویکرد پلیسی، شبانی

فصل ششم: مدلی برای مراقبت از دیگران - دو قطبی «بزهکاری»

۲۳۰	جرم‌شناسی «جرم‌شناسی»
۲۳۱	جرم‌شناسی آرمان زاهدانه
۲۳۱	بیمارستان یا زندان
۲۳۲	پیوند فوکو زهد به کینه‌توزی با نیچه

۲۳۳..... خدا، قاضی، متهم، بزهکاری

۲۳۴..... گناهکار، امت کلیسا

فصل هفتم: مسائل روش: بهره‌های پژوهش‌های صورت گرفته در مورد

۲۳۸..... دیوانگی، نظم کیفری و جنسیت

۲۳۸..... طرح تاریخی از «رژیم‌های حقیقت‌مندی»

فصل هشتم: بازتفسیر مفهوم حاکمیت قانون در قرن نوزده: مسئله داوری

۲۴۲..... بین شهروندان و مراجع عمومی

۲۴۳..... مسئله دگاه‌های اداری - جرم‌شناسی شهروندی

۲۴۴..... پروژه نظریه پرداز: وارد کردن قواعد حاکمیت قانون در نظم اقتصادی جرم

۲۴۵..... حاکمیت قانون و بهره‌ریزی از نگاه هایک

۲۴۹..... افزایش تقاضای قضایی و جرم

فصل نهم: بزهکاری و سیاست تنبیهی

۲۵۳..... مسئله اصلاح حقوق کیفری در پایان قرن هجده

۲۵۳..... محاسبه اقتصادی و اصل قانونی بودن

۲۵۴..... نقض انگل‌وار قانون با هنجار در قرن نوزده، مترید انسانی‌شناسی کیفری

۲۵۶..... تحلیل نتولیرال

۲۶۸..... امحای انسان‌شناختی مجرم

۲۶۹..... کنار زدن مدل انضباطی

۲۷۳..... میشل فوکو - زندان

۲۷۷..... دیوید گارلند (۱۹۵۵)

۲۸۳..... نقش فوکو از کیفر در نگاه گارلند

۲۸۵..... چکیده مجازات و فناوری قدرت

۲۸۶..... مجازات به عنوان یک نهاد اجتماعی

نتیجه‌گیری ۲۹۱

کتاب‌نامه ۲۹۳

واژه‌نامه ۳۰۳

www.ketab.ir

مقدمه

میشل فوکو^۱ شورشی بود و شورش او موجه بود. فوکو که به خاطر سر زاشیده و همجنس‌گرایی آشکارش شهرت یافته بود، تاریخ‌نگار نافذ اکنون بود و حیثیت و بی‌طرفی ظاهری ما در قبال جرم (مراقبت و تنبیه)^۲، جنون (تاریخ جنون، قدرت روانپزشکی)^۳ و جنسیت (تاریخ جنسیت)^۴ را به چالش کشید. فوکو به اصطلاح طلب بود نه انقلابی. اما دلیلی قوی و هوشمندانه برای دیدگاه‌های سیاسی جناح چپ ارائه کرد (و هنوز هم همچنین است). در واقع بر خلاف بیشتر روشنفکران معاصر فرانسوی، فوکو از وعده‌های مارکسیسم راضی نبود و اگر چه تحت تاثیر فیلسوف مارکسیست، لویی آلتوسر به حزب کمونیست ملحق شد، اما عضویتش مدت کوتاهی بود (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۲).

فرانسه در قرن بیستم استعداد های فکری بسیاری داشت، اما برجستگی فوکو فقط نتیجه بینش‌ها و سیاست‌های خاص او نیست و اثرگذاری و بُرد نوشته‌هایش هم در این میان نقش داشته است. فوکو در مورد همه علاقه‌های خود نوشت و خود را به هیچ رشته دانشگاهی یا حوزه خط پژوهشی خاص محدود نکرد.

فوکو متأثر از علایق متعدد و متغیر خود درباره ادبیات، پزشکی، روانشناسی، روان‌پزشکی، روان‌کاوی و جنون نیز درباره زندان، تیمارستان، نابهنجاری، انحراف جنسی و جنسیت، مذهب، فناوری‌های حکومت و اقتصاد سیاسی،

1. Foucault, Michel, (۱۹۸۴ - ۱۹۲۶).

2. Discipline and Punish

3. Psychiatric Power; History of Madness

4. Abnormal History of Sexuality

اخلاق و سیاست، روش و ماده، یونان باستان و امور روز نوشت و با آن تمنای سهمگینش میخواست درک خود (و نیز درک ما) را از جهان مدرن، کاملاً دگرگون کند.

فوکو بر خلاف بسیاری از کسانی که چنین تمنایی دارند نسبتاً موفق بود و آثار او در بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی، روش و محتوای تحقیقات را تغییر داد. جرم‌شناسی یکی از همین رشته‌ها می‌باشد.

فوکو سال ۱۹۲۶ در پواتیه در خانواده‌ای کاتولیک به دنیا آمد. پدر و مادر فوکو نسل اندر نسل، پزشک بودند. پدر فوکو جراحی برجسته و همانند مادرش، استاد آناتومی مدرسه پزشکی بود. در سال ۱۹۴۰ بچه‌های پناهندگان اسپانیایی را دید. پواتیه سال ۱۹۴۰ تحت اشغال آلمان نازی بود و در هنگام بمباران‌های متحدین شهر را برای آزمون ورودی اکول نورمال سوپریور^۱ آماده می‌کرد. در کلاس‌های آمادگی مدرسه معتبر آنری چهارم و بعد از آن در اکول نورمال از کلاس درس تنی^۲ چارلز پنهان^۳ فلاسفه فرانسه بهره برد. ژان هیپولیت^۴، موریس مولر^۵، پونتی و ژرژ کانایم^۶، فوکو نوشت که (همه چیزش را مدیون) هیپولیت است، زیرا او احتمالاً شاخص‌ترین طرفدار سنت فرانسوی هگلی است و این دوره آشوب بالید و این تجربه را نفوذ نظام بخش فلسفه ریخت و به آن ساختار بخشید.

فوکوی جوان باید با این واقعیت که همجنس‌گراست در مواجهه بعد از جنگ و در محیط اخلاقی و دینی آن زندگی می‌کند کنار می‌آمد. از همان ابتدا دیوانگی در وجودش پیدا بود: در اکول نورمال آن‌هایی که او را می‌ساختند او را نیمه دیوانه می‌دانستند و فوکو در کل عمر، دوشادوش دیوانگی راه رفت. او

1. Ecole Normale Supérieure

2. Jean Hyppolit

3. Maurice Merleau-Ponty

4. George Canguilhem

نسبت به دانشجویان دیگر بسیار تندخو بود و خود بزرگ‌بینی در وجودش کاملاً پیدا بود. علاوه بر این رفتار غیراجتماعی، یک روز دیدند روی زمین دراز کشیده و با تیغ اصلاح قفسه سینه خود را شکافته است. یک شب هم چاقو به دست دانشجویی را دنبال کرده بود. وقتی در سال ۱۹۴۸ اقدام به خودکشی کرد هیچ‌کس تعجب نکرد چون همه می‌دانستند که تعادل روانی ندارد.^۱

پس تصادفی نیست که فوکو جنون را اولین و مهم‌ترین موضوع پژوهشی خود کرده است. بعد از اقدام به خودکشی علاقه شدیدی به روانشناسی و روان‌پزشکی پیدا کرد و در روانشناسی چندین مدرک گرفت (لیسانس روانشناسی در سال ۱۹۴۷، دیپلم آسیب‌شناسی روانی در سال ۱۹۵۲ و دیپلم روانشناسی تجربی در سال ۱۹۵۳). فوکو چند صباحی را در بیمارستان‌های روانی به سر برد. انقلاب عصب‌شناسی را به چشم خود دید. همچنین با پیشگام روانشناسی هستی‌گرا، لودویگ بینس ونگر^۲، روانشناس بزرگ سوئیسی و همکار فروید ملاقات کرد.

عشق وافر فوکو به تأمل و اندیشه، او را زنده نگه داشت و توانست بر برهه دشواری که در جریان خودکشی‌اش به اوج رسیده بود فائق آید. دوستی‌های بی‌شمار فوکو با روشنگران، (لویی آلتوسر، پل وین^۳، مورخ و پی‌یر بوردیوی^۴ جامعه‌شناس) عطش فکری او را سیراب می‌کرد. یک روز زندگی‌نویسان فوکو، دیدیه اریبون یادآور می‌شود که در سال ۱۹۵۳ از عالم‌تدین فوکو کاسته شده بود و او می‌توانست روابط نسبتاً طولانی برقرار کند. فوکو چند مالی در سوئد و بعدها لهستان، ادبیات فرانسه تدریس کرد و همان‌جا رساله دکتری خود را نوشت (نسخه انگلیسی آن به تازگی با نام تاریخ جنون^۵ منتشر شده است). در

1. Eribon 1991

2. Ludwig Binswange

3. Paul Veyne

4. Pierre Bourdieu

5. History Of Madness

سال ۱۹۶۰ برای دفاع از رساله خود به فرانسه بازگشت، تدریس روانشناسی در دانشگاه کلرمون فران^۱ را آغاز کرد و با شریک همیشگی زندگی‌اش، دانیل دفرا^۲، آشنا شد. بعد از چند سال تدریس روانشناسی در تونس و ونس به موفقیت رسید و در سال ۱۹۷۰ در معتبرترین مؤسسه آموزشی فرانسه، کلژ دو فرانس مشغول کار شد. فوکو تا زمان مرگش در آنجا درس داد و هر سال مخاطبانش (سخنرانان) های دانشگاهی در دسترس عموم است) را در جریان تحقیقات شخصی خود قرار می‌داد. در کنار سخنرانی‌های عمومی، در محافل کوچک و صمیمانه‌ای که شش‌پانصد نفر با روشنفکران برجسته آن زمان گفتگو می‌کرد. کالین گوردن^۳، یاسکاله پاسکینو^۴، ژاک دونزولو^۵ و روبر کستل^۶ (که همگی بر جرم‌شناسی تأثیر گذاشتند) از آن جمله بودند.^۷

فوکو از دهه ۱۹۷۰ بعد از نظر سیاسی به شدت فعال شد. او به سرعت مشهور شد و برای سخنرانی از همه جای دنیا از او دعوت می‌کردند. فوکو بسیار مبارز بود. بنابراین در فوریه ۱۹۷۱، تاسیس گروه اطلاعات درباره زندان‌ها GIP را اعلام کرد. هدف اصلی، تمهید تریبون برای زندانیان بود تا بتوانند در مورد تجارب خود سخن بگویند و به شرایط خود در اسارت اعتراض کنند. جی. آی. پی خیلی زود منحل شد. فوکو همچنین به دفعات علیه سازمان‌های پلیسی که دولت فرانسه به اسم امنیت مرتکب می‌شد وارد عمل شد. او کارآگاهان و پلیس را که ظلمی را که علیه الجزایری‌ها، روزنامه‌نگاران، مبارزان سیاسی و روریست‌ها اعمال می‌شد محکوم کرد. او همچنین در حمایت از حق سقط جنین سخن گفت؛ در چند مورد علیه مجازات اعدام موضع گرفت و از جنبش مهاجران

1. Clermont - Ferrand

2. Daniel Defert

3. Colin Gordon

4. Psquale Pasquino

5. Jacques Donzelot

6. Robert Castel

7. See Burchell et al. 1991.

ویتنامی دفاع کرد. در نهایت، قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹ (که به سقوط شاه انجامید) از ایران دیدن کرد و با خیزش مردم ایران به مثابه نمادی از مقاومت در برابر سرکوب، همدلی کرد و در حمایت از آن مطلب نوشت. فوکو از همه نوع مقاومتی در برابر قدرت حمایت می‌کرد اما کنش‌های سیاسی او در چارچوب قانون بود و هرگز تروریسم را شکل مشروعی از کنش سیاسی ندانست و آن پشتیبانی نکرد.

اعتقاد برخی مفسران علت منازعه او با ژیل دلوز همین بود، زیرا دلوز از اعمال مستقیم می‌جوان اقدام تروریستی دفاع کرد.^۱

فوکو در چند سال باقی مانده عمر، به ارائه برداشت اخلاقی خود از مقاومت سیاسی حسی پرداخت و ذهن کنجکاوش را متوجه این پرسش کرد که ما در سنت غربی به چه سوخت، فاعل شناسا می‌شویم، فوکو به بررسی سنت ریاضت‌کشی یونانیان باستان پرداخت، او سال ۱۹۸۴ در بیمارستان پاریس به علت ابتلا به بیماری ایدز در آن مرگش. عمر او کوتاه بود با این همه به شدت تأثیرگذار بود.

تا کنون باید مشخص شده باشد که اثر فوکو مرزهای سنتی بین رشته‌های دانشگاهی سنتی را درمی‌نوردد: فوکو دانش‌های خود از فلسفه به تاریخ‌نگاری و علوم اجتماعی می‌رود و به تحلیل بیادنی نحوه ساخت کنونی ما می‌پردازد و حضور فراگیر قدرت در همه نهادهای اجتماعی افشا می‌کند. به هر حال یک واقعیت وجود دارد که: فوکو هیچ‌وقت جرم‌شناس نبوده است اما بعید است یک کتاب جرم‌شناسی را باز کنید و با اسم او مواجه شوید.

فوکو به سه دلیل اصلی به یکی از مراجع کلیدی جرم‌شناسی تبدیل شده است:

اول، یکی از علاقه‌مندی‌های تزلزل‌ناپذیر فوکو، نحوه اعمال قدرت بر افراد از طریق برخی از نهادهای خاص (علاوه بر دولت) بوده است. از این نظر فوکو از مارکسیسم و نقد سنتی که از قدرت سیاسی داشت و در زمان او رواج یافته بود جدا می‌شود. مطالعه‌ی او درباره‌ی نحوه اعمال قدرت نهادها به تکوین تاریخ بیمارستان روانی و زندان منجر شد و این دو نهاد در جرم‌شناسی اهمیت بسیاری دارند. فوکو در تحلیل‌های خود نشان داد که قدرت بدون دانش، وجود نمی‌یابد. عبارت ساده‌تر، روان‌شناس به واسطه تملک بر دانش بیماری روانی است که بر بیمار اعمال قدرت می‌کند. ابداع اساسی و عنصر مهم تحلیل فوکویی آن است که او بیمار روانی را موضوعی طبیعی و از پیش موجود نمی‌داند. برداشت مارکس از بیمار روانی به مرور و متناسب با تغییراتی است که در گفتمان‌های روان‌پزشکی، پزشکی قانونی و غیره وجود دارد. مطالعه این تغییرات در تحلیل اجتماعی اهمیت سیار زیادی دارد چون کمک دومی به شکل گفتمانی بر ساخته می‌شود.

قدرت از خشونت جداست و فوکو با تحلیل نهادها این مسئله را نشان داد: «... رابطه قدرت زمانی شکل می‌گیرد که شکل از کنش مستقیماً یا فوراً بر دیگران تأثیر نگذارد. بالعکس، قدرت بر اعمال آنان تأثیری نمی‌گذارد: تأثیر کنشی بر کنش دیگر، خواه کنش‌های کنونی و خواه آن‌هایی که در آینده شکل می‌گیرند»^۱. فوکو دست آخر به این نتیجه می‌رسد که راهبردهای قدرت از نظر تاریخی، شیوه‌های مشروط «کانالیزه کردن رفتار» جمعیت‌ها هستند. فوکو در مرحله بعد به بررسی نحوه اعمال راهبردهای حکومت‌داری موبی در غرب می‌پردازد.